تحلیل انتقادی نظریهٔ «فمینیسم قرآنی» مارگوت بدران در دائرة المعارف قرآن ـ
علی حسن‌نیا، زینب آزادبختی، افشان بستاکچی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال شانزدهم، شماره ۶۴ «ویژه زن و خانواده»، پاییز ۱۳۹۸، ص ۱۲۱–۱۴۸

تحلیل انتقادی نظریهٔ «فمینیسم قرآنی» مارگوت بدران در دائرة المعارف قرآن

علی حسن‌نیا*
زینب آزادبختی**
افشان بستاکچی***

چکیده: برخی از مفسرانِ نظریهٔ فمینیسم می‌کوشند پیش‌فرض‌ها، اندیشه‌ها و قرائت خود را، که برگرفته از اصول فمینیسم و فرهنگ غرب می‌باشد، بر قرآن کریم و قرائت اسلام تحمیل کنند. مدخل «فمینیسم و قرآن» نوشته مارگوت بدران، پژوهشگر مصری‌تبار آمریکایی، در *دائرة المعارف قرآن* لیدن با چنین قرائتی با استفاده از آیات قرآن کریم، تلاش دارد فمینیسم مورد توجه خود را موجه جلوه کند. نوشتار حاضر به شیوهٔ تحلیل انتقادی، بیان می‌کند که بدران به تفاوت‌های رفتاری زن و مرد، که ریشه در نظام تکوین دارد، بی‌اعتنا بوده است؛ او معتقد است این تفاوت‌ها برخاسته و وابسته به فرهنگ جوامع اسلامی شکل گرفته‌اند. وی همچنین قوامیت مرد نسبت به زن را تنها در مسائل مالی تفسیر می‌کند. با توجه به ریشه‌های فلسفهٔ مادی غرب در چنین تفاسیری، به نظر می‌رسد آراء وی بیش از آن‌که قرائت قرآنی و دینی از فمینیسم اسلامی باشد، صرفاً تراوشات ذهنی، پیش‌فرض‌ها و تفسیر به رأی مؤلف است.

*. استادیار دانشگاه شاهد، گروه علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول) a.hasannia@shahed.ac.ir
**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران
zz.azadbkhti8817@gmail.com
***. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم تهران
A.bostakchi2602@gmail.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

کلیدواژه‌ها: تفسیر فمینیستی؛ دائرة المعارف قرآن؛ قرآن کریم؛ فمینیسم اسلامی؛ مارگوت بدران.

۱. مقدمه

از جملهٔ مسائلی که مفسران فمینیسم بدان توجه داشته‌اند، مسئلهٔ حقوق زنان در جامعه اسلامی است؛ اینان می‌کوشند حقوق زن در اسلام را به چالش کشانده، اذعان کنند که زنان در جایگاه فرودستی نسبت به مردان قرار گرفته‌اند. آن‌ها معتقدند که قرآن به برابری حقوق زن و مرد اشاره کرده است، اما زنان مسلمان از این حقوق آگاهی ندارند (بدران،۱۳۹۵: ص ۳۱۶)، در حالی که، دین اسلام در مورد برابری و تفاوت میان زن و مرد، نگاهی عادلانه و دقیق دارد. بر اساس آموزه‌های قرآن همهٔ انسان‌ها از یک گوهرند و در هنگام سخن از دمیده شدن روح، به طور مطلق خلقت را به انسان – نه تنها مرد- و دمیدن روح تعبیر نموده است. (آیاتی که این معنا را دربردارند، بسیارند؛ برای نمونه، نک: اسراء: ۷۰، تین: ۴؛ حجر: ۲۹؛ ص: ۷۲) از نظر اسلام زن همچون مرد، شریک در انسانیت است. تعابیری که در آیات قرآن در رابطه با انسان آمده، خطاب به هر دوجنس، زن و مرد است. (نوری همدانی، ۱۳۹۲: ص ۶۸) قرآن، زن و مرد را برخوردار از امور مشترک بسیاری می‌داند، در عین حال که آنان را نه فقط در بُعد جسمی، بلکه در ابعاد گوناگون احساسی، روحی، رفتاری و امور دیگر نیز با یکدیگر متفاوت می‌داند. استاد مطهری در این زمینه می‌گوید: «احساسات زن از مرد جوشان‌تر است. زن طبعاً به زینت و جمال و مُدهای مختلف علاقهٔ زیادی دارد و احساسات وی بی‌ثبات‌تر از مرد می‌باشد.» (مطهری، ۱۳۸۴: ص ۱۰۳) برخی فمینیست‌ها وجود تفاوت‌های تکوینی را مؤثر در تفاوت‌های حقوقی نمی‌دانند و بر این باورند که اختلاف‌های تکوینی نباید موجب اختلاف‌های تشریعی باشد. از جمله معتقدان به این نظر، عزیزه الحبری (لبنان) ونوال السعداوی (مصر) می‌باشند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

(متمسک، ۱۳۸۰: ج۱، ص۴۵۲) در واقع اختلاف نظری که در این زمینه وجود دارد، به تفاوت دیدگاه‌ها در مفهوم تساوی بین این دو مربوط است؛ از دیدگاه اسلام، تساوی در حقوق زن و مرد به معنای تناسب و تعادل به کار می‌رود (مطهری،۱۳۸۴:، ص ۱۱۶)، اما در دیدگاه غرب، بر اصل تشابه از لحاظ جسمی و روحی، دارایی‌ها، توانایی‌ها و قابلیت‌های یکسان و برابر میان زن و مرد تأکید می‌شود. (نک: جمشیدی و دیگران، ۱۳۸۵:ص۱۴۰) در واقع فمینیست‌های به اصطلاح اسلام‌گرا مانند: فاطمه مرنیسی، جامعه‌شناس مراکشی، آمنه ودود، استاد مسلمان و آمریکاییِ مطالعات دینی و رفعت حسّان، از پرچمداران تفکر اسلامی پیشرفته در پاکستان، اولاً با غیرقرآنی نشان دادن دین اسلام و جامعهٔ اسلامی، ثانیاً توجیه اندیشه‌های زن‌گرایانه خویش با تفسیر به رأی‌های خود از قرآن و ثالثاً معرفی رفتارها و استنباط‌های خویش به استناد به قرآن، برآنند تا اعتقادات غربی در این مسئله را به نام قرآن بر جان اجتماع اسلامی وارد سازند (پارسا،۱۳۹۵:ص ۵)؛ به عبارت دیگر، فمینیسم اسلامی همواره به دنبال یافتن پایگاهی محکم در جوامع اسلامی بوده و در این راه هیچ تلاشی را فرو نگذاشته است؛ زیرا با پذیرش فمینیسم اسلامی در کنار سایر انواع فمینیسم و نیز به عنوان جریانی اسلامی، بر طرفداران این نظریه روزبه روز افزوده شده، بنیان‌گذاران آن می‌توانند مشروعیتی نسبی را برای نظرات خود فراهم آورند و بدین ترتیب راه برای تغییر حقوق زنان در این کشورها به مرور زمان هموار گردد.

کسانی که مبحث فمینیسم اسلامی را مورد نظر قرار داده و نوشته‌هایی مستقل در این باره منتشر ساخته، خانم مارگوت بدران[1] است، که عمده مباحثش در دو مدخل «جنسیت» (Badran, 2018-B) و «فمینیسم و قرآن» (id, 2018-A) از او در *دائرة*

1. Margot Badran.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

المعارف قرآن[1] آمده و انعکاس‌دهنده شالودهٔ فکری او در حوزهٔ فمینیسم اسلامی‌اند. وی مورخ و متخصص در رشته مطالعات زنان است، که بر مطالعات زنان در خاورمیانه و جهان اسلام در بازهٔ زمانی اواخر قرن نوزدهم تا قرن بیست و یکم تمرکز کرده است و در حال حاضر پژوهشگر ارشد مرکز بین المللی دانشوران وودرو ویلسون[2] در واشنگتن و عضو ارشد دانشسرای اسلامی مسیحی در دانشگاه جورج تون[3] می‌باشد. البته بدران جزو آن دسته از متفکرانِ حوزه فمینیسم اسلامی[4] است، که ابایی از همراه داشتن لقب فمینیست ندارد و این مسأله در نام‌گذاری مقاله دایرة المعارفی وی نیز مشهود است.

نظرات بدران در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه جوامع غربی و شرقی در موضوع فمینیسم اسلامی بوده و نیز از سویی *دایرة المعارف قرآن* یکی از منابع مهم و پراستناد اندیشمندان و محققان غربی در موضوعات گوناگون مرتبط با قرآن می‌باشد، لذا نوشتار حاضر بر آن است تا مدخل این پژوهشگر غربی را مورد مطالعه، بررسی و نقد قرار دهد. در مقالهٔ پیش‌رو ابتدا به تعریف کلی از فمینیسم و دیدگاه‌های مختلف در این حوزه و سپس به بررسی و ارزیابی اثر بدران به شیوهٔ تحلیل انتقادی و پاسخ‌گویی به برخی از شبهات اساسی او در این اثر پرداخته خواهد شد. بر این اساس، تلاش می‌شود از میان مسائل گوناگون مورد اشاره در مقالهٔ بدران، دست‌کم بر پرسش‌های چهارگانهٔ ذیل پاسخی معقول و مستند بیابیم: ۱- آیا دین اسلام زنان را از حقوق خود آگاه نساخته است؟ ۲- آیا تفاسیر مسلمانان مردسالارانه هستند؟ ۳- از نظر اسلام و قرآن تفاوت بین زن و مرد چگونه است؟

1 . *Encyclopaedia of the Qurʾān.*
2. Woodrow Wilson International Center for Scholars.
3. Georgetown University.
4. Feminism with Islam.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

۴- نقد رویکردهای فمینیستی به چه صورت می‌باشد؟

برخی از تحقیقاتی که در حیطهٔ فمینیسم به رشتهٔ تحریر درآمده و با این پژوهش تشابه موضوعی دارند، عبارتند از: مقاله «اصول گرایش‌های فمینیستی در تفسیر قرآن» (کریمی، ۱۳۹۴) که به بررسی فمینیسم در تفاسیر پرداخته است. در مقالهٔ دیگری تحت عنوان «آواهای تازه فمینیستی در جهان اسلام» (میرحسینی، ۱۳۸۵)، نویسنده بیشتر پیرامون تعریف‌های اولیه از معتقدان فمینیسم به پژوهش پرداخته است. نوشتار بعدی، مقاله‌ای‌ست با عنوان «بررسی علل گرایش زنان مسلمان به فمینیسم» (نجفی، ۱۳۹۳) که عوامل سوق دهندهٔ زنان مسلمان به فمینیسم را مورد بررسی قرار داده است. همچنین مقاله «فمینیسم اسلامی، مفاهیم و امکان‌ها» (کرمی، ۱۳۹۳)، عنوان‌های کلی از فمینیسم اسلامی را مطرح کرده و در پایانِ مقاله، فمینیسم نهضت اجتماعی زنان را، که در آن دیدگاه‌های اساتید و برخی از دانشجویان صاحب نظر را نیز ذکر می‌کند، به اجمال آورده است. افزون بر این، مدخل «جنسیت» از بدران در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دایرة المعارف قرآن لیدن» (فتاحی‌زاده و افسردیر، ۱۳۹۳) و نیز مدخل «زنان و قرآن» از روت رادد در مقاله‌ای با عنوان «**تحلیل مدخل "زنان و قرآن" در دایرة المعارف قرآن "EQ"**» (نبئی و جلالی کندری، ۱۳۹۵)، ارتباط نزدیکی با مباحث و مسائل مطرح شده در این مدخل و پژوهش حاضر دارند. با این حال، با بررسی صورت گرفته، مشخص شد که پژوهش مستقلی در نقد نظرات بدران در مدخل «فمینیسم و قرآن» به نگارش درنیامده و لذا این نوشتار برای نخستین بار به نظرات او در این مدخل می‌پردازد.

۲. نقد مدخل «فمینیسم و قرآن»

مقاله «فمینیسم و قرآن» در سه بخش قابل بررسی و نقد است: اول، خودآگاهی قرآنی و حقوق زنان: فمینیسم در قلمرو اسلام. دوم، فمینیسم اسلامی: مفهومی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

مبتنی بر برابری جنسیتی میان زن و مرد در اسلام، سوم، رویکردهای فمینیستی به قرآن کریم. پیش از بررسی این دو بخش و نقد مسائل مطرح شده در هر کدام، مفهوم فمینیسم به اجمال بررسی می‌شود:

«فمینیسم»[1]، به معنای طرفداری از تساوی سیاسی و اجتماعی زنان و مردان است و در غرب به جنبش طرفداران حقوق زن اطلاق می‌شود (مصفا، ۱۳۷۵: ص ۷۸). بارزترین مشخصه فمینیسم، توجه خاص و بررسی تقسیمات جنسیتی در جامعه است، که چنین تقسیماتی را سیاسی می‌پندارد نه طبیعی (هیوود،۱۳۸۶: ص۳۰)، در حالی که این گونه تفاوت‌های طبیعی به دلیل تفاوت در خلقت زن و مرد است، که خود موجب تفاوت در انجام وظایف و حقوق آن‌ها می‌شود. فمینیسمی که از تفکر ماده‌گرایی بعد از رنسانس نشأت گرفت، به جز جنبه‌های مادی بـرای زن، زاویهٔ دیگری نمی‌بیند. بنابرین، داشتن روح را که حقیقتی مشترک میان زن و مرد می‌باشد نادیده گرفته است. ابعـاد مشترک میان زن و مرد، موجب حقوق و تکالیف مشترک بین آن‌ها می‌شود. در واقع وجود جسم و قالـب ویـژه زنانه و مردانه و برخی خصوصیات روانی باعث پیدایش‌حقوق و تکالیفی ویـژه شـده اسـت. در نتیجه، انسان چه زن باشد و چه مرد، در آموزه‌های دینـی فـردی مخاطـب و مـسئول اسـت، ولـی زیباترین جلوه‌های حیات خود را وقتی به نمایش می‌گذارد که با ایثـار، گذشـت و تعـاون، فردیـت خود را برای مصالح عمومی فدا کند و از خودخواهی‌ها فاصله بگیرد. در واقع انشعابات و جریانات فمینیستی معمولاً به نام مکاتبی شناخته می شوند که به آن‌ها وابستگی عقیدتی دارند. یکی از خاستگاه‌های معرفت‌شناسیِ اغلب تفکرات فمینیستی، تفکیک میان جهان معرفت و دانش مردانه و زنانه است. فمینیست‌ها با پذیرفتن این اصل به نقد بیش‌تر دانش‌ها و حتی

1. Feminism.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

معرفت‌شناسی‌های معاصر پرداخته‌اند و برآنند تا سرشت معرفتی، بر اساس رویکرد مردانه پایه‌ریزی شده است. (مستقیمی، ۱۳۸۸: ص۲) مفاهیمی مانند فمینیسم اسلامی، فمینیسم مسیحی، فمینیسم سیاه و... را می‌توان به نوعی حاصل جریان پست مدرن نیز دانست. جریان پست مدرن بر این مسئله تأکید می‌کند که ارائه تعریفی جامع و مانع از مفهوم فمینیسم، طرفدارن آن و مطالبات این دسته از زنان، بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و خصوصیات فرهنگی هر منطقه جغرافیایی ناممکن است. از این رو برای بدست آوردن مطالبات زنان در هر منطقه باید به این شرایط توجه و به نوعی این مفهوم را بومی کرد. (برای آشنایی بیشتر، نک: سجادزاده، ۱۳۸۴؛ شاکری خوئی، ۱۳۸۸)

۱-۲. بخش اول: خودآگاهی و حقوق زنان

در نخستین بخش از نوشتار، بدران معتقد است که خوداگاهی و حقوق زنان همان «فمینیسم در قلمرو اسلام» است. نخستین الگوی آن، فمینیسمی حقوق‌محور است، که به عقیدهٔ وی نفوذ این جنبش فکری ـ عملی و سرآغازهای آن در اواخر قرن نوزدهم شکل گرفت، زمانی که برخی زنان مسلمان در مناطق مختلف شرق با استفاده از سواد اولیه خود و افزایش تبلیغات اجتماعی، همه خوداگاهی قرآنی خویش را به میان آوردند تا با مسایل روزمره و با نوگرایی دست و پنجه نرم کنند. (بدران، ۱۳۹۵: ص ۳۱۵)

۱-۱-۲. محدودیت حقوق زنان در اسلام

وی بر این باور است که برخی از فمینیست‌ها با بکارگیری تجربه‌های شخصی خود تحت عنوان جنبش‌های اصلاح‌طلبانه اسلامی، به اجتهاد که همان استنباط فردی از متون مقدس بود می‌پرداختند و در قالب مبارزات آزادی‌خواهانه ملی بر علیه حاکمیت استعمار، به ایجاد خودآگاهی فمینیستی دست زدند. آنان معتقد بودند که قرآن برای آن‌ها حقوقی قائل بوده، که تحت عنوان اسلام، این حقوق از آن‌ها

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

دریغ شده است و دین را نوعی محدودیت برای خود می‌دانستند. در نتیجه درصدد فمینیسمی برآمدند که از آن‌ها حمایت کند. (همان، ص۳۱۶)

نقد

اگر بخواهیم جایگاه و منزلت زن را در اسلام به درستی درک نمائیم، باید بدانیم که در ادیان و اندیشه‌ها و کشورهای دیگر ارج و مقام زن چه بوده است، تا ارج و بهای ارشادات اسلامی را در اوج آن تاراندیشی‌ها به خوبی دریابیم. ویل دورانت می‌نویسید: «در میان قبایل ابتدایی زن را به کارهای پلید می‌گماشتند، آن‌ها را به بهای اندک می‌فروختند و از نفس کشیدن در پهلوی زن احتراز می‌کردند. در روسیه تازیانه را به داماد می‌دادند تا زن خود را بزند.» (ویل دورانت،۱۳۷۱: ص۷۰۰) در قانون حمورابی آمده است: «اگر کسی دختر دیگری را کشت، باید دختر خود را به پدر مقتول بدهد تا کشته شود» (نوری، ۱۳۷۴: ص ۷۹ـ۷۷). در یونان وقتی افلاطون از تعلیم و تعلم زن سخن می‌گفت مسخره‌اش می‌کردند، تا جایی که افلاطون شکر می‌کرد که مرد آفریده شده است. شخصیت زن در آثار افلاطون، تصویر زنی نخ‌ریس و پارچه‌باف است. وی در سخنان خویش همواره زن را به معنای شخص زبون، ضعیف و ترسو مورد خطاب قرار می‌دهد. این طرز تفکر نسبت به زن در اندیشهٔ ارسطو نیز قابل مشاهده است. از نگاه او، زن با مردی عقیم و نازا برابر است؛ زیرا در هر صورت زن، ناقص الخلقه است. او وجود زن را فقط برای تولید مثل می‌داند و نه امور دیگر. همین طور در یونان، زن از مال شوهر ارث نمی‌برد. در اسپارت برای اصلاح نسل شوهران، زنان خود را در اختیار مردان دیگر قرار می‌دادند و روسپی‌گری مجاز بود. رومی‌ها مثلی داشتند بدینگونه که «زن را نمی‌توان انسان نامید.» (ویل دورانت، ۱۳۷۱:ص ۷۱۱) ژان ژاک روسو (۱۷۷۸ـ ۱۷۱۲) نیز با کوچک شمردن مغز و نبوغ زنان، آن‌ها را خالی از هر نوع ابتکار و قدرت نبوغ معرفی می‌کند، که

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

فقط به کارهای کوچکی مانند آرایش کردن و... می‌پردازند. (مولر آکین، ۱۳۸۳: ص۱۸۲ـ ۲۸) کلیسا از این قاعده مستثنی نبود و همواره دیدگاه دوگانه‌ای در رابطه با زنان داشت؛ از سویی زنانی چون مریم مقدس، مورد ستایش کلیسا بودند و از سوی دیگر زنانی چون حوّا، نماد گناه شمرده می‌شدند؛ زیرا به گمان آنان، حوّا باعث فریب و کشاندن آدم به سوی شیطان و گناه در بارگاه خداوند بود. (حیدریان، ۱۳۸۵: ص۶۶) بر اساس این دیدگاه، فمینیست‌ها و به ویژه فمینیسم لیبرال‌ها، نظریه برابری زن و مرد را به صورت افراطی در تمامی ابعاد مطرح ساختند.

در چنین روزگاری خورشید اسلام طلوع کرد و افق زندگی زنان را روشن ساخت و ندای عطوفت‌آمیز پیغمبر اسلامﷺ، روح نشاط، امید و راه تکامل را به روی زنان باز کرد. (نک: نوری همدانی، ۱۳۹۲: ص ۵۷) همچنین موقعیت مهم زن در اجتماع و جایگاه بلند و استعدادهای او را به جهانیان گوشزد کرد و آیاتی از قرآن را برای بیان مقام والای زن و برای مردم بیان نمود، که در آن‌ها مقام زن و مرد را در کنار هم معرفی کرد؛ (اسراء/۷۰) اسلام دینی است برگرفته از قرآن و سنت پیامبرﷺ و ائمه‌علیهم‌السلام، نه چیزی خودساخته؛ در واقع آن‌چه فمینیست‌ها به عنوان دین ناب محمدی معرفی می‌کنند، برگرفته از ذهنیت‌هایشان نسبت به قرآن و اسلام و تفسیر به رأی‌هایی است که از قرآن دارند. تفاوت میان زن و مرد تسخیر متقابل آن‌هاست که موجب برتری یکی بر دیگری نیست. این تفاوت در نقش‌ها صرفاً به منظور نظام‌مند شدن نظام آفرینش می‌باشد. تنها معیار برتری و فضیلت انسان‌ها بر یکدیگر «تقوا» و فضیلت معنوی و تقرب به خدا است (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۲۰۷)، در سورهٔ شمس آیات ۷–۱۰ (نَفْسٍ وَ ما سَوَّاها...)[1]، منظور از «نفس»، که با عظمت

۱. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكاها وَ قَدْ خابَ مَنْ دَسَّاها فَأَلْهَمَها فُجُورَها وَ تَقْواها»: و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) ←

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

مخصوص از آن یاد شده، روح انسان است، بدون تفاوت میان زن و مرد، و راه رستگاری و معیار برتری را تقوا معرفی کرده است. در آیه: (یا أَیهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکمْ مِنْ ذَکرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا إِنَّ أَکرَمَکمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاکمْ) (حجرات/۱۳) نیز، قرآن تنها معیار برتری انسان (مرد و زن) را تقوا دانسته است (نک: طباطبایی، بی‌تا: ۴۸۷/۱۸)، در حالی‌که، فمینیست‌ها دین اسلام را که نشأت گرفته از قرآن و سنت است، نوعی محدودیت می‌دانند!

در بیان معنای محدودیت و آزادی باید گفت: آزادی به سه معنا تلقی شده است: ۱ـ آزادی به معنای ولنگاری: که در این نوع آزادی، قانونی برای انسان وجود ندارد.۲ـ آزادی در محدوده قانون: این آزادی به منظور احترام به انسان وضع شده است. ۳ـ آزادی از امارت نفس: همان آزادی انسان برای رهایی از چنگال شیطان است. (مصباح یزدی، ۱۳۷۴: ص ۷۵) دین اسلام فقط آزادی ولنگاری را محدود می‌کند و مخالف آزادی به معنای روحی نیست، بلکه انسان را آزاد می‌داند تا از تمام حقوقی که قانون برای وی وضع کرده است، بهره مند شود؛ همچنین انسان‌ها را آزاد از قید و بند شیطان و امیال دنیوی می‌داند، که همان آزادی از امارت نفس است. دین فرد پیرو هوای نفس را اسیر و برده نفس می‌شمارد. (مطهری،۱۳۸۶: ص۲۰) پس دین نه تنها محدودیت نبوده، بلکه عین آزادی است.

۲-۱-۲. تفاسیر مردسالارانه در اسلام

در بخش دیگری از نوشتار، بدران اشاره می‌کند که فمینیست‌ها معتقدند قرآن به عنوان متن بنیادین اسلام در یک نظام عدالت اجتماعی، حقوق اساسی یکسانی را به زنان و مردان می‌دهد، اما زنان مسلمان در جامعه پدرسالاری که به نام اسلام

منظّم ساخته، سپس فجور و تقوا (شرّ و خیرش) را به او الهام کرده است، که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است!

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

سخن می‌گوید، از حقوق خود محروم شده‌اند. به عبارت بهتر، آن‌ها بیان می‌کنند که مفسران مرد، عقاید مردسالاری خود را بر قرآن تحمیل کرده‌اند و موجب برتری حقوق مردان بر زنان شده‌اند، لذا زنان از حقوق خود آگاه نشده‌اند. (بدران، ۱۳۹۵: ص۳۱۶)

نقد

با بررسی تفاسیر مختلف خلاف این عقیده را شاهد هستیم. دیدگاه‌های مفسران مرد را، مفسران زن نیز بیان کرده‌اند؛ برای نمونه، بانوی اصفهانی در تفسیر آیه ۳۴ سورهٔ نساء[۱] بیان می‌کند که: مردان از لحاظ قوای فیزیکی و جسمی از زنان برترند و زنان به لحاظ برخورد با مسائل زندگی، احساسی و عاطفی می‌باشند و این برتری را به مردان داده است، که آن ادای کلام الهی است نه صرفاً آن را تحمیل عقیده مردسالارانه مفسران مرد بدانیم. (نک: بانوی اصفهانی، ۱۳۶۱: ج ۴، ص ۶۳)

نکته دیگر، در درک ناقص بدران از اندیشهٔ فمینیستی در این مسئله است. باور فمینیست‌ها این است که زنان با آگاهی‌ها و سواد اولیه خود و اجتهاد از قرآن، می‌گویند: که جامعه اسلامی حقوق زنان را نادیده گرفته است، در صورتی که برای دست‌یابی به مفاهیم قرآن و استنباط از نصوص دینی باید با علم کامل و تسلط بر یک سری علوم گفته شده بتوان مدعی مفاهیم قرآن شد. البته هنوز هم یک سری رفتارهای جاهلانه و یا محرومیت‌هایی در حقوق زنان صورت می‌گیرد، اما این مسئله تنها مختص اسلام و جامعه اسلامی نیست، بلکه در همه جای دنیا این کاستی‌ها انجام می‌شود و برخی جوامع نیز ممکن است به ظاهر زنان از حقوق

۱. «الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِمْ...»: مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند (از نظر نظام اجتماع) برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، و بخاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند...

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

خود برخوردار باشند، ولی بیشتر به زن نگاه ابزاری می‌شود، در حالی که دین اسلام زنان را کانون مهربانی، عطوفت و مأمن آرامش می‌داند و زندگی بشر را بدون این پشتوانه بی سر و سامان و ناقص می‌داند. (برای اطلاعات بیشتر، نک: نوری همدانی، ۱۳۹۲: ص ۳۴۴)

۲-۱-۳. تحمیل حجاب در اسلام

بدران تأکید می‌کند که زنان مصری در دهه ۱۸۹۰ با استناد به دلایل قرآنی معتقد بودند پوشاندن صورت، آن‌گونه که دین از آن‌ها خواسته که بدان عمل کنند، خواستهٔ قرآنی نیست (بدران، ۱۳۹۵: ص۳۱۶). وی می‌گوید: سایر چیزهایی که تحت عنوان اسلام از زنان خواسته شده نیز از سوی این زنان ادعاهایی تحمیلی تلقی شده و معتقد بودند قرآن یک متن آزادی‌بخش است (همان) که در نتیجه بایسته است از این نگاه آزادانه و محترمانه به آنان نگریسته شود.

نقد

در پاسخ به این ادعا باید گفت که حدود پوشش در دین اسلام برگرفته و منطبق با قرآن و سنت پیامبرﷺ و سخنان ائمه می‌باشد؛ برای نمونه در آیه «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لا یبْدینَ زینَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها...» (نور/۳۱)، یکی از وجوه مورد نظر در استثنای مربوط، این است: «به جز آن‌چه که پیداست، که همان چهره‌ها و دست‌ها تا مچ، نه بیش از حد معمول» است (طبرسی، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۲۱۷). در جای دیگر (احزاب/۵۹) می‌فرماید: «یا أَیهَا النَّبِی قُلْ لِأَزْواجِک وَ بَناتِک وَ نِساءِ الْمُؤْمِنینَ یدْنینَ عَلَیهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِک أَدْنی أَنْ یعْرَفْنَ فَلا یؤْذَینَ... .» هدف از این آیه پوشاندن سر، زیر گلو و دور گردن می‌باشد، که این امر موجب یک نوع دورباش است و چشم طمع را از حریم آن‌ها دور می‌کند. (طباطبایی، بی‌تا: ج۱۶، ص۳۶۱) اسلام حجاب را برای زنان نه یک محدودیت بلکه یک نوع احترام و مصونیت می‌داند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

زنان به دلیل ظرافت و زیبایی که خالق در آن‌ها پدید آورده است، آسیب‌پذیرترند، لذا حجاب به زن کرامت می‌بخشد و وی را از خطرات و آسیب‌های جامعه مصون می‌دارد. (نوری همدانی، ۱۳۹۲: ص ۳۵۷)

۴-۱-۲. نابرابری حقوق زنان و مردان در اسلام

بدران سپس اشاره می‌کند که، اولین گروه زنان مسلمانی که آشکارا فمینیسم و قرآن را با هم پیوند زدند، اعضای اتحادیه فمینیست‌های مصر بودند. آن‌ها حقوق برابر و کامل را برای زنان در عرصه‌های عمومی و کاهش نابرابری در عرصه‌های خانوادگی و خصوصی را خواستار بودند. همچنین این گروه با استناد به آیات قرآن در جهت حمایت از تفکر خود به مقابله اعمال مردان در موضوع طلاق و چندهمسری پرداختند. (بدران، ۱۳۹۵: ص۳۱۶)

نقد

اینکه فمینیست‌های معاصر خواهان آوردن زنان به بازار کار و کاهش نقش آن‌ها در خانواده شده‌اند، مسأله‌ای بس تأمل‌برانگیز است؛ در واقع هدف آن‌ها از این کار، رهایی خانواده و فرزندان و به دست آوردن قدرت سیاسی و اقتصادی برای زنان بوده است که نقش مادری و همسری را تضعیف می‌کند. آن‌ها به فرشتگان خانگی هشدار می‌دهند که باید نقش خود را به عنوان پرورش‌دهنده کودک و خانه خود را به عنوان مکان اولیه فرزندداری، فدای آرمان دستیابی به موقعیت شغلی ـ به مفهوم مردانه آن ـ نمایند و دنیای کار را جایگزین خانواده کنند. (نک: گراگلیا، ۱۳۸۵: ص ۳۵)

حساسیّت دیگر مفسران فمینیسم مسئله تعدد زوجات و وقوع طلاق در جامعه اسلامی است؛ باید اذعان داشت که دنیای غرب مسئله تعدد زوجات را ممنوع کرده، اما همجنس بازی را مجاز دانسته، و با این کار هم در حق زنان و هم در حق

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

مردان ظلم بزرگی روا داشته است، و چندهمسری، بی‌تردید تک‌همسری بهتر است، اما در هنگام ضرورت مثلاً نازا بودن و یائسه بودن زنان خودشان و یا مسائلی دیگر، دو راه حل بر سر راه آن‌ها قرار می‌گیرد، یا اینکه: مردان به معشوقه بازی بپردازند یا تعدد زوجات رسمیت بیابد، که البته راه حل دوم بهتر است. (غضنفری، ۱۳۹۶: ص ۱۵۸؛ نیز نک: نجفی، بی‌تا: ج۳، ص۲) البته این قانون، برای شرایط خاص است و در صورتی که در جامعه افزایش نسبی زنان و مردان نیازمند به ازدواج نباشد، ضرورت تعدد زوجات منتفی است.

به اعتقاد فمینیست‌ها قانون طلاق نیز، از اعمال مردها است که موجب پایمال شدن حقوق زنان می‌شود. آن‌ها برای اثبات گفته خود به آیات قرآن استناد کرده‌اند. در جواب این شبهه باید گفت که در کل، سه نظریه در مورد طلاق وجود دارد:

۱ـ طلاق فقط از جانب مرد باشد و زن هیچ دخالتی در آن ندارد، این نظریه در دنیای قدیم وجود داشته است، ولی در دنیای امروز طرفداری ندارد.

۲ـ راه طلاق در شرایط مخصوص برای هر یک از زوجین به یک شکل ممکن است. طرفداران این نظریه مدعیان تشابه حقوق زن و مرد در خانواده‌اند.

۳ـ طلاق امر منفور و مبغوضی است و اجتماع باید علل وقوع طلاق را از بین ببرد، ولی درعین حال قانون نباید راه طلاق را بر زوج‌های ناموفق ببندد و راه طلاق باید هم برای زن باز باشد هم برای مرد. این راه خروج برای زن و مرد یکی نیست، بلکه هر کدام راهی جداگانه دارند. این همان نظریه‌ای‌ست که اسلام آورد و کشورهای اسلامی به طور ناقص از آن پیروی کردند. در قرآن و قانون اسلامی به صورت طبیعی حق طلاق به مرد داده شده است؛ مانند: بقره/۲۲۹: «الطَّلاقُ مَرَّتانِ فَإِمْساكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسانٍ... .» اسلام، حق مرد را در امر طلاق می‌پذیرد، آن هم به خاطر تفاوت‌های جنسی طبیعی بین زن و مرد و تفاوت در نقش‌های

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

اجتماعی آن‌ها؛ مانند: عهده‌دار بودن نفقه، ولی این حق به صورت قراردادی و شرط ضمن عقد، برای زن می‌تواند در نظر گرفته شود. (ندری،۱۳۹۱: ص ۵۹) اعطای این حق به مردان برای آن نیست که مردان از این حق سوء استفاده کنند و آن را راهی برای هوس‌بازی خود و اذیت زنان قرار دهند. در قرآن به صراحت به این امر اشاره شده: (فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيهِنَّ سَبيلاً إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلِيا كَبيراً) (نساء/۳۴) اگر زنان شما سازگاری دارند، نباید راه ستم پیشه کنید. همچنین طبق روایتی از امام صادق علیه‌السلام ایشان می‌فرمایند: «قال سمعت ابی یقول: ان الله عز و جل یبغض کل مطلاق و ذواق» (عاملی، ۱۳۸۸: ج ۱۵، ص۲۶۶)؛ «پدرم می‌فرمود که خداوند طلاق‌دهنده تنوع‌طلب و هوس‌باز را مبغوض می‌دارد.» به عبارت دیگر، اسلام با طلاق‌های ناجوان‌مردانه مقابله کرده و چنین حقی را به مردان نداده است. اگر مردی سر ناسازگاری دارد و حقوق مالی (نفقه)، حقوق اخلاقی (حُسن معاشرت) و امور مربوط به مسائل جنسی (حق هم‌خوابی و آمیزش) را به خوبی انجام ندهد و یا از انجام برخی از آن‌ها امتناع کند و در عین حال مرد حاضر به طلاق زن نباشد، بنا بر نظر برخی همچون علامه حلی، در رسالهٔ «حقوق الزوجیه»، در چنین شرایطی اسلام به حاکم یا قاضی شرع اجازه مداخله را داده است و طلاق زن را از مردش می‌گیرد. (مطهری،۱۳۸۴:ص۲۷۷) پس اسلام و قرآن حقوق برابری را برای زنان و مردان در امر طلاق در نظر گرفته‌اند، اما راه و روش عمل به آن توسط زنان و مردان متفاوت می‌باشد.

۲-۲. بخش دوم: تفسیر قرآن و برابری جنسیتی

در باورهای بدران، موج دومی از فمینیسم را شاهد هستیم که «فمینیسم اسلامی» است. که این موج خود در دو مقسم تفسیر قرآن و برابری جنسیتی قابل تفکیک است.

او بر این باور است که، مفسران زن به لحاظ زن بودنشان، تجاربشان را در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

معرض طرح مسائل جدید قرار می‌دادند؛ بدین منظور آنان از روش ساختارشکنانهٔ متبحرانه‌ای در آیات قرآن استفاده کرده، با حفظ معانی تحت اللفظی آن، قرائت‌های پویایی از روح قرآن ارائه دادند. (بدران، ۱۳۹۵: ص۳۱۷) وی تأکید دارد که در تفسیر جدید حساس به جنسیت، یا چیزی که می‌توان آن را تفسیر فمینیستی نامید، تأییدهای متقاعدکننده‌ای از برابری جنسیتی در قرآن ارائه شده، که مفسران مرد گردآورندهٔ مجموعه‌های تفسیری، معمولاً آن‌ها را پنهان کرده‌اند. تفسیر مفسران مرد از قرآن، حامی آموزه‌های سنّتی ناظر به برتری مردان و بازتابی از فضای فرهنگی مردسالاری رایج می‌باشد. مفسران زن فمینیست معتقدند که مفسران مرد در تفسیر قرآن جهت‌گیری مردسالارانه داشته و عقیده مردسالاری را وارد تفسیر نموده‌اند و نظر خود را بر قرآن تحمیل کرده‌اند. (همان)

۱-۲-۲. نقد دیدگاه بدران در مبحث تفسیر قرآن

پیش‌تر اشاره شد که آنان باور خاصی را از قرآن استخراج نمی‌کنند، بلکه می‌کوشند عقیدهٔ خویش را بر آن تحمیل کنند. چنین نظراتی از سنخ «تفسیر به رأی» می‌باشد؛ یعنی تفسیری که نظر و اندیشه مفسر، محور استنباط باشد. این رویکرد نادرست، یا به دلیل جهت‌گیری‌های فکری است یا ریشه در استبداد رأی و عدم استفاده از ابزار فهم صحیح قرآن دارد (معرفت، ۱۴۱۸ق: ج۱، ص۶۹-۷۰) همچنین مفسران فمینیست به دلیل افراط و تعصب بی‌جا در عقاید فمینیستی، اصول فمینیسم را مبنا قرار داده و آیات قرآن را منطبق بر آن‌ها تفسیر می‌کنند، در حالی که اسلام و قوانین آن حجیت و وثاقت خویش را از منبع وحیانی گرفته‌اند که تفسیر آنها تنها در چارچوب اصول پذیرفته شدهٔ عقلانی و شریعتی معتبر است. تفسیر فمینیست‌های اسلامی ریشه در تفسیرهای اجتماعی دارد، که در قرن بیستم شکل گرفته و بیشتر یک تفسیر ذوقی و شخصی است، تا تفسیری که واقعاً از یک

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

روش علمی پیروی کـرده باشـد. در این نوع از تفاسیر، افراد تنها با ذوق خودشان وارد بحث شده‌اند. (نک: پاکتچی، ۱۳۸۴: ص ۲۵۶)

بخش عمده تعالیم قرآن، آموزه‌های اعتقادی، اخلاقی، به خود شخص انسان مربوط می‌شود و به هیچ وجه جهت‌گیری مردسالارانه یا زن‌سالارانه ندارد. به نظر می‌رسد آنچه که باعث رنجش فمینیست‌ها شده، تعداد اندکی از آیات قرآن باشد که مستقیماً به موضوع زنان پرداخته و یا آنان را با مردان مقایسه کرده است. حتی اگر این جهت‌گیری برای مفسران کلاسیک مرد صحیح باشد، نمی‌توان آن را جهت‌گیری مردسالارانه دانست؛ چون تفسیر قرآن و سنت تفسیری، تفسیری بسیار وسیع‌تر از تفسیر تعداد معدودی از آیات قرآن در موضوع زنان است. همچنین مفسران فمینیست در واقع یک رویکرد افراطی دارند و تمامی آراء سنت تفسیری را که تضادی با نظرشان داشته باشد رد می‌کنند، در حالی که روش صحیح نقد اقتضا می‌کند مطالبی را که به آن انتقاد دارند با ذکر دقیق منبع، موضع شاهد، و ادلهٔ قانع کننده بیان نمایند. (نک: کریمی، ۱۳۹۴: ص۶۹-۷۱)

۲-۲-۲. نقد دیدگاه بدران در مبحث برابری جنسیتی

«برابری جنسیتی»[1] مبتنی بر برابری میان زن و مرد است. در پی مطالبات برابری‌خواهانهٔ زنان در طول دو قرن گذشته، جنبش زنان در غرب شکل گرفت و همچنان ادامه دارد. با توسعهٔ ارتباطات و تبادل فرهنگی میان کشورهای اسلامی و غرب، خواسته‌ها و مطالبات طرفداران این جنبش، همانند مدرنیته و سرمایه‌داری وارد کشورهای مسلمان شد. در برخی از مناطق، جنبش زنان در کشورهای مسلمان واکنشی به جریان فمینیستی غرب بوده و حاصل این واکنش، شکل‌گیری

۱. برابری جنسیتی (Gender equality) عبارت است از تساوی ساخت اجتماعی مردانگی و زنانگی و دال بر نقش‌های اجتماعی یکسان دو جنس (Giddens, 2009: 601).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

جنبش‌هایی مبتنی بر اصول اسلامی در جهت تفسیر جدید به منظور اعتلای حقوق زنان مسلمان می‌باشد، اما در مناطق دیگر، فمینیسم را زنان مسلمان پذیرفتند. در این کشورها جنبش زنان به شکل سکولار ظهور کرد و خواستار جدایی حوزهٔ دین از سیاست شدند، زیرا طرفداران آن، حاصل این جدایی را بهبود شرایط زنان می‌دانستند. (نک: کرمی، ۱۳۹۳: ص۱۲)

۳-۲. رویکردهای فمینیستی به قرآن کریم

نویسنده در نوشتار خود، در مجموع به چهار رویکرد برگزیدهٔ فمینیستی در مواجهه با قرآن کریم اشاره کرده، برای هر کدام مصداق‌هایی بیان می‌کند. هر چهار رویکرد و نیز مصادیق ذکر شده، به جهات متعدد قابل بررسی و نقد می‌باشند. در ذیل پس از تقریر هر رویکرد، به ارزیابی و نقد آن می‌پردازیم.

۱-۳-۲. رویکرد نخست: بازنگری آیات قرآن به منظور تصحیح روایات نادرست رایج

مفسرانی مانند «آمنه ودود محسن» در اثر مهم تفسیری خود تحت عنوان *قرآن و زن*، و همچنین «رفعت حسّان» در مقالات متعدد و سخنرانی‌های عمومی خویش، روایت‌های بسیار رایج اما غلطی را که تلاش می‌شود آن‌ها را روایت‌های قرآنی قلمداد کنند، تصحیح کرده‌اند (این روایات را طلاب علوم دینی و نیز عامهٔ مردم به طور سنتی تکرار می‌کنند). در یکی از این روایت‌ها گفته می‌شود که زن از دندهٔ آدم خلق شده، لذا موجودی ثانوی یا فرعی است. برخی فمینیست‌ها بیان کرده‌اند که اسلام و آموزه‌های دینی معتقد به آفرینش زن از دنده چپ مرد بوده‌اند و برای اثبات سخن خود به یک سری روایاتی تمسک جستند که معتقد بودند برگرفته از قرآن است. (بدران، ۱۳۹۵: ص ۳۱۸)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

نقد

در ارزیابی این رویکرد، باید گفت که اعتقاد به خلق حوا از دندهٔ چپ آدم یک اندیشه تحریف شدهٔ یهودی است و ریشه در روایات جعلی و اسرائیلیات دارد. (تورات، ۲: ۲۱-۲۲؛ در این خصوص نیز نک: صدقی، ۱۳۸۵؛ احسانی، ۱۳۹۰؛ خواص، ۱۳۹۲؛ همامی و نقوی، ۱۳۹۴)[1] گزارش‌های روایی خلقت حوا از دندهٔ چپ آدم و آفرینش زن از مرد موافق با آفرینش آدم و حوا در قرآن نمی‌باشد. این روایات از یک سو، دارای تناقض درونی و تعارض بیرونی‌اند و از سوی دیگر، منشأ اسرائیلی دارند، لذا نمی‌توان آن‌ها را به شارع مقدس اسلام نسبت داد. مرحوم طبرسی می‌گوید: «خلق من زوجها» یعنی حوا را از ضلعی از اضلاع آدم آفرید. (طبرسی، ۱۳۶۷: ج ۱، ص ۲۳) اما علامه طباطبایی این تفسیر را رد کرده، می‌نویسد: «برخی این تفسیر را به تبعیت از برخی اخبار مطرح کرده‌اند، اما این قول صحیحی نیست». وی معتقد است: «مراد از این عبارت، این است که حوا هم‌نوع با آدم است و مماثلت در وجود دارند؛ مانند: آیات دیگری که خطاب به مردان می‌فرماید: «وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُم أزواجاً»: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید» (روم/۲۱) (طباطبایی، بی‌تا: ج ۴، ص ۱۳۶)؛ یعنی همسران شما از جنس خود شما و انسان هستند. با مراجعه به آیات مشابه این آیه، روشن می‌شود که مقصود و مراد آیه این است که همسر آدم از جنس بشر آفریده شده است و نمی‌توان گفت که مراد آیه این است که همسران ما را از بدن ما آفریده است. در آیه اول سورهٔ نساء نیز مراد از ضمیر «منها» که به نفس واحده یعنی آدم برمی‌گردد، خلقت حوا از جنس آدم است، نه از بدن آدم.

۱. روایات بسیاری نیز در منابع تفسیری و حدیثی اهل سنت؛ از جمله صحیح بخاری، وجود دارد که خلقت زن را از استخوان پهلوی مرد می‌داند. (نک: نوری، ۱۳۹۲: ص ۸۲) چنین روایاتی در برخی کتاب‌های روایی شیعیان نیز موجود است (نک: مجلسی، ۱٤۰۳ ق: ج ۱۱، ص ۹۷: باب ۱: فضل آدم و حواء و علل تسميتهما وبعض أحوالهما وبدء خلقهما وسؤال الملائكة فی ذلك). در عین حال، علامه مجلسی آن روایات را تقیه‌ای می‌داند، لذا از نظر او قابل استناد نیستند. (همان)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

(نک: مکارم شیرازی، ۱۳۵۳: ج۳، ص ۲۴۶-۲۴۷) اما علت این که مفسران قدیم به این وسعت روایات ضلع را نقل کرده‌اند، آن است که عرب‌ها اهل کتاب و دانش نبوده‌اند؛ از این رو هرگاه به معرفت چیزی از اسرار خلقت و آغاز پیدایش آفرینش اشتیاق پیدا می‌کردند، راهی غیر از مراجعه به اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان) نداشتند. اهل کتاب هم حتی پس از مسلمان شدن، در موضوعات مذکور که ربطی به احکام شرعی ندارد، محل رجوع دیگران بودند. آن‌گاه همین منقولات بر اثر تساهل مفسران در تفاسیر نقل شده است. (نک: ابن خلدون، ۱۳۶۳: ص ۴۳۸) به همین منظور هر چیزی را که سند قطعی ندارد و قابل اعتماد نیست نباید به اسلام و همه مفسران اسلامی نسبت داد. اینکه عده‌ای با بسنده کردن به برخی روایات ضعیف نظری را ارائه دهند، دلیلی ندارد که نظر همه مفسران و دین اسلام باشد.

۲-۳-۲. رویکرد دوم: یادآوری آیاتی که به صراحت برابری زن و مرد دلالت را می‌رساند.

پیش از این گفته شد که معتقدان به فمینیسم اسلامی بر این نظرند که تساوی مرد و زن در قرآن کریم آمده، همان‌طور که از اصول اساسی در ارتباط با نگاه درست به مقولهٔ زن نیز می‌باشد. اما چیزی که اتفاق افتاده این است که اسلام در عمل به این آموزهٔ انسانی و قرآنی طفره رفته و به گونه‌ای وارونه بدان نگریسته است.

نقد

در پاسخ می‌توان گفت، اسلام بهترین کرامت و حقوق را به زن بخشیده است؛ مطالعه تاریخ قبل از اسلام در مورد زن نشان از آن دارد که زنان در شرایطی بودند که جزء انسان به حساب نمی‌آمدند و بدترین رفتارها در حق زنان اعمال می‌شد. اسلام دست حمایت بالای سر زنان قرار داد و به آن‌ها از تمام جهات ذاتی، اکتسابی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

و حقوقی، شخصیت داد.

امّا تساوی مد نظر فمینیست‌ها از هیچ پایگاه دینی برخوردار نیست، و برخلاف آموزه‌های روشن دینی می‌باشد. آن‌چه دین به آن تأکید می‌کند، اقامهٔ قسط و عدل است. می‌توان از متون دینی چنین استنباط کرد که زن از آن جهت که انسان است، مانند هر انسان دیگری آزاد آفریده شده است و همچون مرد از کمالات، استعدادها و ارزش‌های والای انسانی برخوردار است و از این دید هیچ‌گونه تفاوتی با جنس مرد ندارد. این تفسیری را استاد مطهری از تساوی ارائه می‌دهد که با تشابه متفاوت است و بیشتر به تناسب و تعادل شباهت دارد. او می‌گوید: «تساوی حقوق یک مطلب است و تشابه حقوق مطلبی دیگر. برابری حقوق زن و مرد از نظر ارزش‌های مادی و معنوی یک چیز است و همانندی و همشکلی و همسانی چیزی دیگر. در این نهضت عمداً یا سهواً تساوی به جای تشابه به کار رفته و برابری و همانندی یکی شمرده شد. کیفیت تحت الشعاع کمیت قرار گرفت. انسان بودن زن موجب فراموشی زن بودن وی گردید.» (مطهری، ۱۳۸۴: ص۱۳) تساوی مورد نظر فمینیست‌ها دقیقاً همان مفهوم تشابه و برابری است و آن‌ها در موضع‌گیری‌های خود به برداشتن مرزهای جنسیتی گام برمی‌دارند؛ یعنی تساوی به همان معنایی که در میان دو انسان از یک جنس مطرح است باید به همان معنا برای مرد و زن مطرح شود، و این خلاف موازین و دستورات دینی اسلام می‌باشد.

۳-۳-۲. رویکرد سوم: ساختارشکنی آیاتی که ناظر به تفاوت مرد و زن‌اند.

در نگاه فمینیست‌ها، غالباً آیاتی که ناظر به تفاوت مرد و زن هستند، به شیوه‌هایی تفسیر شده‌اند که بیش از همه، برتری مرد را توجیه می‌کنند. فمینیست‌ها معتقدند انسان‌ها با اینکه اساسا با یکدیگر برابرند، اما برای تداوم نوعشان به لحاظ زیستی متفاوت با یکدیگر خلق شده‌اند. فقط به اقتضای حال و موقعیت‌های خاص است

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

که نقش‌ها و وظیفه‌های مختلفی بر عهدهٔ مردان و زنان گذاشته می‌شود. تفاوت‌های زن و مرد ناشی از فرهنگ جوامع اسلامی و دین اسلام می‌باشد و جایگاهی برای تفاوت‌های زیستی در چارچوب احکام قائل نیستند. (بدران، ۱۳۹۵: ص۳۱۸)

نقد

در نقد رویکرد سوم نکته مهم آنکه هنگامی که از تفاوت‌های طبیعی زن و مرد سخن می‌رود، گروهی آن را نقص زن و کمال مرد تلقی می‌کنند که موجب برتری مرد و محرومیت زن است، غافل از اینکه مسئله نقص و کمال مطرح نیست. بلکه این تفاوت‌های انکارناپذیر نوعی تناسب است که برای بقای نسل ضروری است و صرفاً به منظور سامان دادن به امور اجتماعی و ایجاد نظم در نظام آفرینش می‌باشد. نادیده گرفتن این تفاوت‌ها نادیده گرفتن استعدادها و نیازهای انسان و منجر به ظلم به او می‌شود. (مهریزی،۱۳۸۶: ص۲۰۷-۲۱۳) تمام این تفاوت‌ها عادلانه و هم‌مسیر با تعالی هر دو جنس می‌باشد. توجه نکردن زن به وضع طبیعی و فطری بیشتر موجب پایمال شدن حقوق او می‌گردد. در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری زن و مرد، با توجه به تساوی آن‌ها در انسان بودن و حقوق مشترک انسان‌ها، زن را در وضعیت بسیار مناسبی قرار می‌دهد، که نه شخصش کوبیده شود نه شخصیتش. (مطهری، ۱۳۸۴: ص۲۰) تفاوت‌های تکوینی که بین زن و مرد وجود دارد، استعدادها و روحیه‌های متناسب با مسئولیتی را که نظام آفرینش بر عهده آن‌ها گذاشته است، می‌رساند.

۴-۳-۲. رویکرد چهارم: تأثیر اندیشهٔ مردسالاری در تفاسیر قدیم

بدران به تأسی از آمنه ودود، حسّان و حبری استدلال کرده است که اصطلاح «قوّامون» مفهوم «تأمین زندگی» را افاده می‌کند تا اعلام کند که مردان باید زندگی زنان را در شرایط فرزندآوری و تربیت او تأمین کنند. اصطلاح «قوّامون» آن‌گونه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

نیست که مفسران قدیم مرد مدعی بودند که بر مسئولیت مطلق (یا سلطهٔ) همهٔ مردان بر همهٔ زنان در همهٔ زمان‌ها دلالت کند و واژهٔ «فضّل» هم، حکایت از برتری مردان بر زنان ندارد. در تفسیر فمینیستی قرآن نیز آیات خاصی ساختارشکنی شده است؛ مانند: آیهٔ یاد شده که موجب جلب توجه آیات دیگری که مسئولیت‌های متقابل را تأیید می‌کنند؛ و آیهٔ ۷۱ توبه: «مردان و زنان با ایمان حامی یکدیگرند (یعنی «اولیاء» یکدیگرند)... .» (بدران، ۱۳۹۵: ۳۱۸) وی معتقد است که مفسران زن با بررسی دقیق و زمینه‌یابی اصطلاحات و عبارات قرآنی کوشیدند تأثیرات اندیشه مردسالاری را در تفاسیر قدیم نشان دهند و ثابت کنند که چگونه این تفاسیر با پیام اصلی قرآن دربارهٔ برابری جنسیتی در تعارض است. مفسران زن فمینیست معتقدند که قوامون به معنای تأمین زندگی و محدود به رفع نیازهای مادی زن آن هم تنها در دوران بارداری است و ایدهٔ برتری عام مردان با دیگر آیات و آموزه‌های دینی سازگاری ندارد. (همان)

نقد

واژهٔ «قوّام» به معنی قیام کنندهٔ کامل به امور و اعمال و تدبیر و تنظیم‌کننده زندگی فرد دیگر است، این کلمه بر جهات دیگری؛ مانند: برتری و بلندی مقام و بار و حاکمیت و تسلط و نفوذ دلالت ندارد. (مصطفوی، ۱۳۸۰: ج ۵، ص۳۶) قرآن کلمه استواری را برای تعبیر از بردباری مردان در تنظیم شئون زنانشان به شکل مستمر به کارگرفته که معنای مسئولیت همه جانبه در شئون زنان را دارا است. (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۲، ص۷۵) از آیه «الرِّجالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَبِما أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوالِهِم» (نساء/۳۴) استنباط می‌شود که ضعف جسمانی زن بر اثر عادت ماهیانه و وضع حمل می‌باشد و فرهنگ و رسوم، نظام حاکم و مرد سالاری نیز نقشی ندارد. از طرفی قدرت تعقل مردان و احساسات زنان، امری نیست که به آسانی بتوان در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

باب کم و کیف آن قضاوت کرد. پس آنچه در این آیه مشهود است، ضعف جسمانی زنان و زیادی عواطف آنان نسبت به مردان می‌باشد. بدین ترتیب قوامیتی که اسلام از آن سخن گفته، به معنای سرپرستی همراه با رسیدگی و حمایت است. مقتضای این قوامیت، رعایت قسط و عدالت در مورد کسانی است که امورشان بر عهده او قرار دارد. (مهریزی، ۱۳۸۶: ص۷۶-۷۹) در اسلام، در کنار قوامیت مردان در خانواده، مدیریت داخلی بر عهده زنان نهاده شده است. در نگاه اسلام دو جنس مرد وزن، مکمل یکدیگرند، و در صورت هم راه بودن با یکدیگر می‌توانند به وظایف خود عمل کنند ولی فمینیست‌ها با نفی مردسالاری، تقابل زن و مرد را خواستارند. آنان با این کار، بنیان خانواده‌های اسلامی را نشانه رفته‌اند و سعی در فروپاشی آن دارند که این نگاه به ایجاد پیامدهای جبران‌ناپذیری می‌انجامد. در واقع فمینیست‌ها سعی در تغییر سبک زندگی اسلامی رو به غربی دارند و با هدف ایجاد انزوا و تبدیل زندگی خانوادگی به زندگی فردی پا به عرصه نهاده‌اند.

۳. نتیجه‌گیری

در مجموع ارزیابی و نقد نظرات مارگوت بدران، به عنوان یک فمینیست اسلام‌گرا و پیرو اندیشهٔ فمینیسم اسلامی، در «مدخل فمینیسم و قرآن» به اختصار بدین شرح می‌باشد:

۱. آنچه وی و فمینیست‌ها تحت عنوان استنباط‌های قرآنی بیان می‌کنند چیزی جز تفسیر به رأی‌های شخصی آن‌ها نیست و هدف اصلی آن‌ها غیرقرآنی نشان دادن دین اسلام می‌باشد.

۲. به عقیده او و فمینیست‌ها، دین اسلام و به تبع آن، جامعه اسلامی حقوق زنان را نادیده گرفته است. اما باید اذعان داشت که اسلام نه تنها حقوق زنان را پایمال نکرده، بلکه نسبت به سایر ادیان و ملل مختلف که بیشتر نگاه ابزاری به زن دارند،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

بیشترین جایگاه و مقام را برای زن قرار داده و تفاوت در نقش زن و مرد را نوعی نقش تکمیل کننده و نوعی برتری برای زن برشمرده است.

۳. دین اسلام نقش تعیین کننده اصلی در سرنوشت خانواده و اجتماع را متوجه زنان کرده است؛ قوامیت مرد نسبت به زن که از نظر او و فمینیست‌ها تنها در مسائل مالی و آن هم تنها در زمان بارداری و پرورش فرزند است، قوامیت نیست، بلکه از نظر اسلام قوامیت مرد به معنای مسئولیت همه جانبه وی در نظام خانواده می‌باشد.

۴. او و دیگر فمنسیت‌ها تلاش کردند تا بستر مناسبی برای وارد کردن افکار غربی به جامعه اسلامی فراهم آورده و دین اسلام را نوعی تحمیل عقیده بر مسلمانان جلوه دهند، اما با بررسی‌های انجام شده مشخص شد که دین اسلام نه تنها تحمیل عقیده نیست، بلکه متعادل‌ترین دین است؛ زیرا مرجع اصلی آن قرآن و سنت معصومین علیهم‌السلام می‌باشد.

منابع

قرآن کریم، ترجمهٔ مکارم شیرازی، ناصر.

تورات (بی‌تا)، ترجمهٔ فارسی.

۱. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۶۳ش)، **تاریخ العبر**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۲. احسانی، کیوان (۱۳۹۰ش)، **بررسی تطبیقی داستان آدم و حوا در قرآن و تورات**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، گروه معارف اسلامی.

۳. بانوی اصفهانی، نصرت امین(۱۳۶۱ش)، **مخزن العرفان**، تهران: نهضت زنان مسلمان.

۴. بدران، مارگوت(۱۳۹۵ش)، «**فمینیسم و قرآن**» در *دایرة المعارف قرآن*، مک اولیف، جین دمن و همکاران (سرویراستاران)، تهران، حکمت، نوبت اول، ترجمهٔ حسین خندق آبادی و همکاران، ج ۴، صص ۳۱۵-۳۱۷.

۵. بیات، عبدالرسول (۱۳۸۱ش)، **فرهنگ واژه‌ها**، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی و سمت.

۶. پارسا، فروغ (۱۳۹۵ش)، **نویسندگان برجسته دیدگاه «زن‌گرایانه اسلامی»**، تهران: معاونت قرآن و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

عترت وزارت ارشاد.
۷. پاکتچی، احمد (۱۳۹۱ش)، **تاریخ تفسیر قرآن کریم**، تهران: دانشگاه امام صادق(علیه السلام).
۸. جمشیدی، اسدالله ودیگران (۱۳۸۵ش)، **جستاری در هستی‌شناسی زن**، قم: مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸ش)، **زن در آینه جلال و جمال**، قم: دارالهدی، انتشارات اسراء، نوبت سیزدهم.
۱۰. حیدریان، محسن (۱۳۸۵ش)، **سرآمدان اندیشه و ادبیات از دوران باستان تا آغاز قرن بیستم**، تهران: قطره.
۱۱. خواص، امیر (۱۳۹۲ش)، «**بررسی تطبیقی خلقت آدم و حوا از منظر قرآن و عهد عتیق**»، *معرفت ادیان*، سال ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۴، بهار، صص ۳۹-۵۴.
۱۲. دورانت، ویل (۱۳۷۱ش)، **تاریخ تمدن**، ترجمهٔ امیرحسین آریان پور، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، نوبت پنجم.
۱۳. سجادزاده، سید مهدی (۱۳۸۴ش)، «**فمینیسم در اندیشهٔ پست مدرنیسم**»، *کتاب زنان*، سال هشتم، شمارهٔ ۲۹، صص ۲۴ـ۱.
۱۴. شاکری خوئی، احسان (۱۳۸۸ش)، «**گفتاری در فمینیسم، فلسفه، کلام و عرفان**»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، ش ۳۷، صص ۱۷-۱۵.
۱۵. صدقی، محمد (۱۳۸۵ش)، «**آدم از دیدگاه قرآن و عهدین**»، *خط اول*، سال اول، ش ۲، تابستان، صص ۷۳-۹۴.
۱۶. طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین.
۱۷. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۳۶۷ش)، **تفسیر جامع الجامع**، تصحیح: ابوالقاسم گرجی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. ---------- (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، نوبت چهارم، تهران: ناصر خسرو.
۱۹. عاملی، محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۳۸۸ش)، **وسائل الشیعه**، تحقیق و تصحیح: عبدالرحیم الربانی الشیرازی، نوبت دوم، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۲۰. علاسوند، فریبا (۱۳۸۳ش)، **نقدکنوانسیون، رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان**، نوبت اول، قم: حوزه علمیه قم: مرکز مدیریت.
۲۱. غضنفری، علی (۱۳۹۶ش)، **جامعیت قرآن**، نوبت اول، قم: لاهیجی.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

۲۲. فتاحی‌زاده، فتحیه و افسردیر، حسین (۱۳۹۳ش)، «**ارزیابی و نقد مدخل جنسیت از دایرهٔ المعارف قرآن لیدن**»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۲، ش ۲، پاییز و زمستان، صص ۷-۳۸.

۲۳. کرمی، محمدتقی و محبوبی شریعت‌پناهی، نسیم السادات (۱۳۹۳ ش)، «**فمینیسم اسلامی، مفاهیم وامکان‌ها**»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۵، ش ۵۹، بهار، صص ۲۲۹-۲۶۳.

۲۴. کریمی، محمود(۱۳۹۴ش)، «**اصول گرایش‌های فمینیستی در تفسیر قرآن کریم**»، پژوهشنامه تفسیر وزبان قرآن، ش ۶، صص ۶۱-۷۴.

۲۵. گراگلیا، کارولین (۱۳۸۵ش)، **فمینیسم در آمریکا تا سال۲۰۰۳**، تلخیص معصومه محمدی، نوبت اول، تهران، معارف.

۲۶. متمسک، رضا (۱۳۸۰ش)، «**فمینیسم اسلامی، واقعیت‌ها و چالش‌ها**»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان (اولویت‌ها و رویکردها).

۲۷. مجلسی، محمد باقربن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، **بحار الأنوار**، تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان، نوبت دوم، بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

۲۸. مدرسی، محمدتقی (۱۴۱۹ش)، **من هدی القرآن**، تهران، دارالمحبی الحسین.

۲۹. مستقیمی، مهدیه السادات (۱۳۸۸ش)، «**نقد نابرابرانگاری افراطی جنسیتی در معرفت‌شناسی فمینیستی با تأکید برررویکرد قرآنی**»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۱۲، ش۴۷.

۳۰. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰)، **تفسیر روشن**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.

۳۱. مصفا، نسرین(۱۳۵۷ش)، **مشارکت سیاسی زنان در ایران**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه.

۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ش)، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران: صدرا.

۳۳. ---------- (۱۳۸۶ش)، **آزادی معنوی**، نوبت ۳۷، تهران: صدرا.

۳۴. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۸ق)، **التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب**، مشهد: الجامعه الرضویه.

۳۵. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۵۳ش)، **تفسیر نمونه**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۳۶. مولر آکین، سوزان (۱۳۸۳ش)، **زن از دیدگاه فلسفهٔ سیاسی غرب**، ترجمه ن. نوری‌زاده، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

۳۷. مهریزی، مهدی (۱۳۸۶ش)، **شخصیت و حقوق زن در اسلام**، نوبت دوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

۳۸. میرحسینی، زیبا (۱۳۸۵ش)، **آواهای تازه فمینیستی در جهان اسلام**، *بازتاب اندیشه*، تیرماه، ش ۷۵،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]

صص ۷۱-۷۷.

۳۹. نبئی، ساجده و جلالی کندری، سهیلا (۱۳۹۵ش)، «**تحلیل مدخل "زنان و قرآن" در دایرة المعارف قرآن "EQ"**»، دورهٔ ۱۳، ش ۲، پیاپی ۳۰، تابستان، صص ۹۳-۱۱۸.

۴۰. نجفی، رضوان (۱۳۹۳ش)، **بررسی علل گرایش زنان مسلمان به فمینیسم**، *مطالعات پژوهشی زنان*، دوره ۱، ش ۳، پاییز، صص ۲۷-۵۰.

۴۱. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، تحقیق و تعلیق: محمود القوچانی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.

۴۲. ندری، تورج (۱۳۹۱)، **بررسی تطبیقی حقوق متقابل زن و شوهر در آرای مفسران**، قم: دانشگاه الهیات و معارف اسلامی.

۴۳. نوری همدانی، حسین (۱۳۹۲ش)، **جایگاه بانوان در اسلام**، نوبت دوم، بی‌جا: مهدی موعود(عج).

۴۴. نوری، مسعود (۱۳۷۴ش)، **کتاب‌شناسی توصیفی اسلام و حقوق بشر**، قم: مرکز تحقیقات استراتژیک معاونت اندیشه اسلامی.

۴۵. همامی، عباس و نقوی، مجدت(۱۳۹۳)، «**بازنگری قصه خلقت آدم در قرآن و تورات با تأکید بر سبک‌های داستان‌گوئی**»، *پژوهش دینی*، دورهٔ ۰، ش ۲۸، بهار و تابستان، صص ۱-۱۶.

۴۶. هیوود، اندرو (۱۳۸۶ش)، **درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی: از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی**، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: وزارت امور خارجه، موسسه چاپ و انتشارات.

۴۷. یزدی، مصباح (۱۳۷۴ش)، **سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت**، نوبت اول، تهران: مرکز انتشار سازمان تبلیغات اسلامی.

1.Badran, Margot(2018-A), **"Feminism and the Qurʾān"**, in: *Encyclopaedia of the Qurʾān Online*, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Georgetown University, Washington DC.(Consulted online on 11 October 2018 http://dx.doi.org/10.1163/1875-3922_q3_EQCOM_00065).

2.----------(2018-B), **"Gender"**, in: *Encyclopaedia of the Qurʾān Online*, General Editor: Jane Dammen McAuliffe, Georgetown University, Washington DC.(Consulted online on 11 October 2018 http:// dx. doi.org/ 10. 1163/1875-3922_q3_EQSIM_00167).

3.Giddens, Anthony(2009), **sociology**, Cambridge: Polity Press.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1398.16.64.9.5]